

# کتاب دانیال - شماره هشتاد و سه

چهار نسل ادونتیسیم لائودیکیه‌ای: کالبدشکافی پلیدی‌های روزافزون

Jeff Pippenger

2024-02-16

حزقیال، باب هشتم، چهار عمل نفرت‌انگیز رو به افزایش را بیان می‌کند که نمایانگر چهار نسل ادونتیسیم لائودیکیه‌ای است. شورش سال ۱۸۶۳ بدل دو لوح حبقوق را پدید آورد؛ همان‌گونه که هارون، درست در زمانی که خدا دو لوح ده فرمان را به موسی می‌سپرد، با گوساله طلایی خود تمثال جعلی «غیرت» را ساخت. هنگامی که ادونتیسیم لائودیکیه‌ای کار برچیدن حقایق بنیادی را - چنان‌که در رؤیای ویلیام میلر نمایانده شده بود - آغاز کرد، رهبری نسل نخست به رد اقتدار کتاب مقدس، و سپس روح نبوت، پرداخت. این شورش چنان رشد کرده بود که روح‌گرایی کلاگ (همه‌خدایی) اندکی پیش از ۱۸۸۸ وارد تاریخ آنان شد.

در شورش سال ۱۸۸۸، روح‌گرایی به تصویر کشیده شده در حجره‌های تصورات حزقیال به نقطه‌ای رسید که پیام‌آوران مینی‌سوتا، نیبه و حتی روح‌القدس طرد شدند.

ما در تجربه خود دیده‌ایم که هرگاه خداوند از در گشوده مقدس‌گاه پرتوهای نور را به سوی قوم خود می‌فرستد، شیطان اذهان بسیاری را برمی‌انگیزد. اما پایان هنوز نرسیده است. کسانی خواهند بود که در برابر نور مقاومت کنند و آنان را که خدا مجرای خود برای رساندن نور ساخته است، پایمال کنند. امور روحانی به صورت روحانی تشخیص داده نمی‌شوند. دیدبانان با گشایش‌های مشیت الهی همگام نشده‌اند و پیام و پیام‌آوران راستینی که از آسمان فرستاده شده‌اند، تحقیر می‌شوند.

از این جلسه مردانی خواهند رفت که ادعای شناخت حقیقت دارند و بر گرد جان‌های خود جامه‌هایی می‌پيچند که در دار بافندگی آسمان بافته نشده است. روحی را که در اینجا دریافت کرده‌اند با خود خواهند برد. برای آینده امر ما می‌لرزم. کسانی که در اینجا در برابر شواهدی که خدا عطا کرده تسلیم نشوند، با برادران خویش که خدا ایشان را به کار می‌گیرد به جنگ برخوانند خاست. هرگاه فرصت‌هایی پیش آید که بتوانند همان نوع جنگی را که تاکنون در آن درگیر بوده‌اند پیش ببرند، کار را بسیار دشوار خواهند کرد. این افراد فرصت خواهند یافت که متقاعد شوند با روح‌القدس خدا می‌جنگیده‌اند. بعضی متقاعد خواهند شد؛ برخی دیگر بر روحیه خود سخت پافشاری خواهند کرد. آنان به نفس نمی‌میرند و نمی‌گذارند که خداوند عیسی به دل‌هایشان درآید. بیشتر و باز بیشتر فریب خواهند خورد تا آنجا که دیگر نتوانند حقیقت و راستی را تشخیص دهند. آنان تحت روحی دیگر خواهند کوشید بر کار قالبی بگذارند که خدا آن را نپسندد؛ و خواهند کوشید با به دست گرفتن کنترل اذهان انسان‌ها و از این طریق مهار کردن کار و امر خدا، صفات شیطان را عملاً به کار بندند.

اگر برادران ما در این جلسه روزه می‌گرفتند و دعا می‌کردند و دل‌های خود را در حضور خدا فروتن می‌ساختند و آرام می‌نشستند تا با هم کتاب مقدس را بررسی کنند، آنگاه خداوند تمجید می‌شد. اما روح تعصبی که به آن جلسه آورده شد، در غنی‌ترین برکت خدا را بست، و کسانی که این روح را داشتند تا زمانی که در حضور خدا توبه نکنند و درنیابند که تا چه اندازه به بی‌حرمتی به روح‌القدس و داشتن روحی دیگر نزدیک شده‌اند، در موقعیتی مساعد برای دیدن نور نخواهند بود. مواد 1888، 832.

پس از سال ۱۸۸۸، خواهر وایت «برای آینده کلیسای خدا و کار او» می‌لرزید. او دید که آن جلسه به نزاعی روحانی پیوسته در میان مردانی که رهبران ادونتیسیم لاودیکیه‌ای بودند دامن خواهد زد، و مناقشه "daily" "daily" شاهدهی است بر اینکه پیشگویی‌های او در همان نسل تحقق یافت. سپس جنگی از سوی مردانی ادامه یافت که برای تأیید «پیام و پیام‌آوران آسمانی» به «شواهدی که خدا داده بود» گردن نهادند، و همان مردان بر ضد «روح‌القدس خدا» جنگیدند. نسل دوم نظاره‌گر بود که چگونه مؤسسه انتشاراتی و آسایشگاه به آتش داوری خدا از بیخ و بن سوختند.

امروز نامه‌ای از الدر دنیلز درباره نابودی دفتر «ریویو» بر اثر آتش‌سوزی دریافت کردم. وقتی به این خسارت بزرگ به این امر می‌اندیشم، بسیار اندوهگینم. می‌دانم که این باید زمانی بس دشوار و آزمون‌زا برای برادران مسئول کار و برای کارکنان آن دفتر باشد. من در رنج همه رنج‌دیدگان سهمیم. اما از این خیر اندوه‌بار شگفت‌زده نشدم، زیرا در رؤیاهای شبانه فرشته‌ای را دیده‌ام که ایستاده بود و شمشیری چون آتش را بر فراز بتل کریک کشیده بود. روزی در روشنای روز، هنگامی که قلم در دستم بود، بی‌هوش شدم، و چنین می‌نمود که این شمشیر آتشین نخست به سوی و سپس به سوی دیگر می‌چرخد. گویی فاجعه پی‌فاجعه می‌آمد، زیرا خدا به سبب تدابیر مردمان برای برکشیدن و تمجید از خودشان بی‌حرمت شده بود.

امروز صبح در دعایی مصرانه برانگیخته شدم که خداوند همه کسانی را که با اداره ریویو و هرالده مرتبطاند هدایت کند تا به جست‌وجوی جدی و دقیق پردازند، تا ببینند در چه مواردی پیام‌های فراوانی را که خدا عطا کرده نادیده گرفته‌اند.

مدتی پیش، برادران دفتر ریویو از من درباره احداث ساختمان دیگری مشورت خواستند. آن‌گاه گفتم اگر کسانی که طرفدار افزودن ساختمانی دیگر به دفتر ریویو و هرالده بودند، آینده را پیش روی خود ترسیم‌شده می‌داشتند، اگر می‌توانستند ببینند در بتل کریک چه خواهد شد، درباره برپا کردن ساختمان دیگری در آنجا هیچ تردیدی به خود راه نمی‌دادند. خدا فرمود: «کلام من خوار شمرده شده است؛ و من دگرگون می‌کنم و واژگون می‌کنم.»

در کنفرانس عمومی که در سال ۱۹۰۱ در بتل کریک برگزار شد، خداوند به قوم خود شواهدی داد که او خواهان اصلاح است. اندیشه‌ها ملزم شدند و دل‌ها متأثر گشت؛ اما کار به‌طور کامل انجام نشد. اگر دل‌های سرسخت آن هنگام در توبه در برابر خدا شکسته می‌شد، یکی از عظیم‌ترین تجلیات قدرت خدا که تاکنون دیده شده، آشکار می‌گشت. اما خدا حرمت نیافت. شهادت‌های روح او مورد توجه قرار نگرفت. مردم از رویه‌هایی که آشکارا با اصول حقیقت و عدالت—که باید همواره در کار خداوند پاس داشته شوند—در تضاد بودند، جدا نشدند.

پیام‌هایی که خطاب به کلیسای افسس و به کلیسا در ساردیس است، بارها از سوی آن‌که برای قومش به من تعلیم می‌دهد، برایم تکرار شده است. «به فرشته کلیسای افسس بنویس: این‌ها را می‌گویند آن‌که هفت ستاره را در دست راست خود نگاه می‌دارد و در میان هفت چراغدان زرین راه می‌رود: اعمال و زحمت و شکیبایی‌ات را می‌دانم و اینکه نمی‌توانی بدکاران را تحمل کنی؛ و آنان را که می‌گویند رسول‌اند و نیستند آزموده‌ای و دروغگو یافته‌ای؛ و تحمل کرده‌ای و شکیبایی نموده‌ای و به خاطر نام من رنج برده‌ای و سست نشده‌ای. با این همه چیزی بر تو دارم، زیرا محبت نخستین خود را ترک کرده‌ای. پس به یاد آور از کجا سقوط کرده‌ای و توبه کن و کارهای نخستین را به‌جا آور؛ وگرنه به‌زودی نزد تو می‌آیم و چراغدانان را از جای خود برمی‌دارم، اگر توبه نکنی.» مکاشفه ۲:۱-۵.

'و به فرشته کلیسای ساردیس بنویس؛ اینها را می‌گویند آن‌که هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد؛ اعمال را می‌دانم، که نام داری که زنده‌ای، ولی مرده‌ای. بیدار باش، و آنچه باقی مانده و در شرف مرگ است را تقویت کن؛ زیرا اعمال را در حضور خدا کامل نیافته‌ام. پس به یاد آور

چگونه دریافت کردی و شنیدی، و آن را محکم نگاه دار، و توبه کن. پس اگر بیدار نباشی، مانند دزد بر تو خواهم آمد، و نخواهی دانست در کدام ساعت بر تو می‌آیم. مکاشفه ۱: ۳-۳.

ما شاهد تحقق این هشدارها هستیم. هرگز نوشته‌های مقدس دقیق‌تر از آن‌گونه که این هشدارها تحقق یافته‌اند، تحقق نیافته‌اند.

انسان‌ها می‌توانند ساختمان‌های ضدحریق با نهایت دقت ساخته شده برپا کنند، اما تنها یک لمس دست خدا، یک جرعه از آسمان، هر مأمونی را خواهد روید.

«از من پرسیده‌اند آیا توصیه‌ای دارم. من قبلاً همان توصیه‌ای را که خدا به من داده بود بیان کرده‌ام، به امید آن‌که از فرود آمدن شمشیر آتشی که بر فراز بتل کریک آویزان بود جلوگیری شود. اکنون آنچه از آن بیم داشتم فرا رسیده است—خبر سوختن ساختمان ریویو و هرالده. وقتی این خبر رسید، شگفت‌زده نشدم و سخنی برای گفتن نداشتم. آنچه گهگاه به صورت هشدار گفته‌ام جز سخت‌دل‌تر کردن کسانی که شنیدند اثری نداشته است، و اکنون فقط می‌توانم بگویم: بسیار متأسفم، بسیار متأسفم که لازم بود این ضربه فرود آید. نور کافی داده شده است. اگر به آن عمل می‌شد، نور بیشتری لازم نبود.» شهادت‌ها، جلد ۸، ۹۷-۹۹.

نسل دوم ادونتیسم پیروزی نبود و در تحقق باب هشتم کتاب حزقیال، طغیان تنها بیش از پیش شدت گرفت.

خداوند از طریق پیام‌های مکتوب و از طریق آتش اعلام کرده است که می‌خواهد قومش از بتل کریک نقل مکان کنند. خدا به ما یاری دهد تا صدای او را بشنویم. آیا برای ما هیچ معنایی ندارد که دو مؤسسه بزرگ ما در بتل کریک در آتش سوختند و از میان رفتند؟ ممکن است بگویید: «اما آسایشگاه جدید بیماران بسیاری دارد.» بله؛ اما اگر چندین هزار بیمار هم آنجا بودند، این هیچ دلیلی به سود آن محسوب نمی‌شد که مردم ما در بتل کریک خانه بسازند و در آنجا ساکن شوند.

وسوسه‌ها رو به فزونی است. مردم نوری را که خدا از طریق شهادت‌های روح خویش فرستاده است، رد می‌کنند و تدابیر و نقشه‌های خود را برمی‌گزینند. آیا مردم همچنان خود را از خدا جدا خواهند کرد؟ آیا او باید ناخشنودی خود را به شیوه‌ای از این هم آشکارتر از آنچه تا کنون کرده است، آشکار سازد؟ رساله‌ها، SpTB06، 45.

مردمان «تدابیر و نقشه‌های خود را برمی‌گزینند»، چنان‌که در فصل هشتم کتاب حزقیال، در حجره‌های تصاویر، به وسیله هفتاد پیر به تصویر کشیده شده‌اند؛ همانانی که می‌گفتند: «خداوند ما را نمی‌بیند.» خداوند نیبه‌ای را برانگیخت و به او «مکاشفات آشکار» را دقیقاً به مدت چهل سال، تا سال 1884، عطا کرد. او مهر تأیید خود را بر این عطیه نهاد، زیرا آن را در شهری به نام پورتلند عطا کرد و همان‌جا پایانش داد، و آن را به مدت چهل سال بخشید. اندکی پیش از توقف «مکاشفات آشکار»، مشایخ در سال‌های 1881 و 1882 شروع به تضعیف اقتدار کتاب مقدس و روح نبوت کردند. پس «مکاشفات آشکار» در سال 1884 پایان یافت، و چهار سال بعد، شورش قورح، داتان و ابیرام در کنفرانس عمومی 1888 تکرار شد.

شورش سال ۱۸۸۸ به تشدید شورش انجامید؛ به طوری که شاهد مداخله مستقیم خدا در تاریخ ادونتیسیم لاودیکه‌ای بودیم، زیرا او کار انتشاراتی و کار بهداشتی را به آتش کشید. با این حال، آن داورهای مستقیم شورش را که در جریان بود بازداشت. در سال ۱۹۱۹، یک کنفرانس کتاب مقدس برگزار شد که در آن یکی از شورشیان اصلی نسل دوم، ویلیام وارن پرسکات، الهی‌دان آموزش‌دیده در دانشگاه‌های پروتستانیسم مرتد، رهبر اصلی پیشبرد دیدگاه شیطنی بود که ادعا می‌کرد «daily نمایانگر کار مسیح در مقدس‌گاه است؛ و او سلسله‌ای از سخنرانی‌ها ایراد کرد.

تاریخ نشان می‌دهد که در آن کنفرانس کتاب مقدس سال ۱۹۱۹، پرسکات انجیلی ارائه کرد که عبارت بود از حذف کردن هر اصل از پیام نبوی پیروان میلر. او حتی تلاش کرد دو هزار و سیصد روز را هم حذف کند، اما نتوانست آن را عملی سازد. با این حال انجیلی ارائه کرد که کاملاً از برداشت‌های نبوی پیروان میلر تهی بود. انجیل او در آن نشست رد شد، اما همان رهبران کور تصمیم گرفتند سلسله سخنرانی‌های او را بردارند و آن را به کتابی با عنوان «آموزه مسیح» تدوین کنند. آن کتاب به نماد فرارسیدن نسل سوم ادونتیسیم لاودیکیه‌ای بدل شد.

این کتاب نمایانگر انجیل دیگری، غیر از انجیل میلری باب دوم حبقوق، است و پولس به ما می‌گوید که انجیل دیگر اصلاً انجیل نیست.

در شگفتم که چگونه به این زودی از او که شما را به فیض مسیح فراخواند، روی‌گردان شده و به انجیلی دیگر روی آورده‌اید؛ که در حقیقت انجیل دیگری نیست، بلکه کسانی هستند که شما را آشفته می‌کنند و می‌خواهند انجیل مسیح را تحریف کنند. اما اگر ما، یا حتی فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه به شما بشارت داده‌ایم به شما بشارت دهد، ملعون باد. چنان‌که پیش‌تر گفتیم، اکنون نیز باز می‌گوییم: اگر کسی انجیلی غیر از آنچه پذیرفته‌اید به شما بشارت دهد، ملعون باد. غلاطیان ۶:۹-۱۰.

سومین نسل ادونتیسیم با سومین رجسی که حزقیال از آن یاد می‌کند—آنجا که زنان برای تموز می‌گیرند—نمایانده می‌شود. تموز ایزد میان‌رودانی مرتبط با باروری و چرخه‌های رویش گیاهان بود. گاه او را به صورت چوپان یا جوانی تصویر می‌کردند که با دگرگونی فصل‌ها و رشد محصولات کشاورزی پیوند داشت. مرگ تموز و رستاخیز پس از آن با تقویم کشاورزی پیوند داشت. بر پایه اسطوره، تموز در ماه‌های تابستان می‌مرد یا ناپدید می‌شد که آن را نماد پژمردگی گیاهان در فصل گرم و خشک می‌دانستند. گریستن برای تموز آیینی سوگواری بود که شامل نوحه‌سرایایی بر مرگ یا ناپدیدشدن تموز در ماه‌های تابستان می‌شد و سپس با شادمانی از رستاخیز او همراه می‌شد؛ رخدادی که نماد رویش دوباره گیاهان و زندگی کشاورزی بود.

گریستن برای تموز نمایانگر یک پیام جعلی باران پسین است؛ همان چیزی که انجیل دلیو. دلیو. پرسکات نمایندگی می‌کرد. برچیدن بنیان نبوی، که آغازش در شورش ۱۸۶۳ بود، در ۱۹۱۹ به نقطه‌ای رسید که ادونتیسیم لاودیکیه‌ای اجازه داد انجیل کاذب مستقر شود. آن انجیل کاذب کاملاً بر روش‌شناسی پروتستان‌تیسیم منحرف استوار بود. معمار اصلی آن دلیو. دلیو. پرسکات بود، و همانند ویلیام میلر، انجیل هر دو نفر بر فهم بنیادین‌شان از "daily" "daily" در کتاب دانیال استوار بود. هر دو انجیل در بخشی از دوم تسالونیکیان نمایانده می‌شوند؛ جایی که میلر نخست دریافت که "daily" "daily" نمایانگر بت‌پرستی است. در آن بخش، گروهی هست که میلر نماینده آن است و حقیقتی را که پولس ارائه می‌کند می‌پذیرند، و گروهی دیگر که محبت حقیقت را ندارند.

یک دسته در روزهای آخر، که میلر نماینده آن است، «باران دیرهنگام» را «می‌شناسند» و دریافت می‌کنند، و دسته‌ای دیگر، که پرسکات نماینده آن است، گرفتار گمراهی شدید می‌شوند. گمراهی شدیدی که دریافت می‌کنند بر پایه انجیلی دروغین است که اصلاً انجیل نیست و پیام جعلی باران دیرهنگام را معرفی می‌کند. پس، سومین عمل مکروه حزقیال، زنانی هستند (کلپساهای ادونتیسیم لاودیکیه‌ای) که برای تموز می‌گیرند. اشک‌های تابستانی آنان (باران) بناست میوه درو را به بار آورد.

تمایز میان دو نوع پیام باران آخر در سراسر کتاب مقدس و روح نبوت به چشم می‌خورد. کتاب مقدس بارها تصریح می‌کند که باران از قوم نافرمان دریغ می‌شود.

می‌گویند: اگر مردی زن خود را طلاق دهد و او از نزد وی برود و زن مرد دیگری شود، آیا آن مرد بار دیگر به سوی او بازخواهد گشت؟ آیا آن سرزمین سخت آلوده نخواهد شد؟ اما تو با معشوقان بسیار زنا کرده‌ای؛ با این همه، باز نزد من بازگرد، می‌گویند خداوند. چشمانت را به سوی بلندی‌ها برافراز و بین آیا جایی مانده است که با تو هم‌بستر نشده باشند. در راه‌ها برای ایشان نشستی، چون عرب در بیابان؛ و تو آن سرزمین را با فحشای خود و با شرارت خویش آلوده کرده‌ای. از این رو رگبارها بازداشته شده‌اند و باران پسین نیامده است؛ و تو پیشانی‌رو سپی داشتی و از شرم سر باز زدی. ارمیا ۳:۱-۳.

ادونتیسیم لاودیکیه‌ای در سال ۱۸۶۳ به فاحشگی پرداخت و از همان زمان تاکنون باران‌ها بازداشته شده‌اند. آنان از شورش خود شرم نمی‌کنند و این بی‌فروتنی پیشانی‌فاحشه را می‌آفریند، و فاحشه نبوت کتاب مقدس پاپیت است. در نسل سوم، کار نهایی آماده‌سازی برای سر فرود آوردن در برابر نشان فاحشه روم به انجام می‌رسد. آماده‌سازی برای نسل چهارم در نسل سوم، به وسیله پیام جعلی باران آخر، انجام می‌شود. همان‌گونه که شورش‌های ۱۸۶۳ و ۱۸۸۸ چنین‌اند، شورش ۱۹۱۹ نیز با یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ هم‌راستا است؛ زیرا وقتی ساختمان‌های شهر نیویورک فروریختند، فرشته مقتدر مکاشفه باب هجدهم فرود آمد و باران حقیقی آخر آغاز شد.

باران پسین بر قوم خدا خواهد بارید. فرشته‌ای نیرومند از آسمان فرود خواهد آمد، و سراسر زمین با جلال او روشن خواهد شد. ۲۱، Review and Herald، آوریل ۱۸۹۱.

وقتی باران آخر آغاز شد، کهنسالان ادونتیسیم لاودیکیه‌ای آن را باران آخر تشخیص ندادند، زیرا پیامی دروغین درباره باران آخر به آنان تلقین شده بود؛ پیامی که حزقیال آن را به صورت زانی که برای تموز می‌گریستند تصویر کرده و در عمل به صورت پیامی از صلح و امنیت جلوه می‌کرد.

تنها کسانی که مطابق نوری که دارند زندگی می‌کنند، نور بیشتری دریافت خواهند کرد. اگر هر روز در به‌کار بستن فعال فضایل مسیحی پیشرفت نکنیم، تجلیات روح‌القدس را در باران آخر نخواهیم شناخت. ممکن است بر دل‌های اطراف ما در حال فروباریدن باشد، اما ما آن را نه تشخیص خواهیم داد و نه دریافت خواهیم کرد. شهادت برای خادمان، ۵۰۷.

برای نهبانان مردم، تشخیص فرارسیدن باران دیرهنگام ناممکن بود، زیرا انجیل دروغین آنان درباره باران دیرهنگام دروغین، امکان هرگونه تجلی‌ای از قدرت خدا را، چنان‌که در اعصار پیشین بود، انکار می‌کرد.

در کلیساها جلوه‌ای شگرف از قدرت خدا پدید خواهد آمد، اما بر کسانی که خود را در حضور خداوند فروتن نکرده و در دل را با اعتراف و توبه نگشوده‌اند اثر نخواهد گذاشت. در ظهور آن قدرت که زمین را با جلال خدا روشن می‌سازد، آنان تنها چیزی خواهند دید که در کوری خود آن را خطرناک می‌پندارند؛ چیزی که بیم‌هایشان را برمی‌انگیزد و خود را برای مقاومت در برابر آن آماده خواهند کرد. چون خداوند مطابق اندیشه‌ها و انتظارات آنان عمل نمی‌کند، با آن کار مخالفت خواهند کرد. می‌گویند: «چرا ما روح خدا را نشناسیم، وقتی سالیان بسیار در این کار بوده‌ایم؟» — زیرا آنان به هشدارها، به التماس‌های پیام‌های خدا پاسخ ندادند، بلکه پیوسته گفتند: «دولتمندم، توانگر شده‌ام، و به هیچ چیز احتیاج ندارم.» استعداد و تجربه طولانی، مردان را مجرای نور نمی‌سازد، مگر آنکه خود را زیر پرتوهای درخشان خورشید عدالت بگذارند و به واسطه موهبت روح‌القدس خوانده، برگزیده و آماده گردند. وقتی مردانی که با امور مقدس سر و کار دارند زیر دست نیرومند خدا فروتنی کنند، خداوند ایشان را برافرازد. او ایشان را مردانی صاحب بصیرت می‌سازد — مردانی غنی در فیض روح خود. ویژگی‌های نیرومند خودخواهانه شخصیت‌شان، لجاجت‌شان، در نوری که از نور جهان می‌تابد آشکار خواهد شد. «به‌زودی نزد تو می‌آیم و چراغدانت را از جای خود برمی‌دارم، اگر توبه نکنی.» اگر خداوند را با تمام دل بجویید، او را خواهید

مشایخ فصل هشتم حزقیال، در سال ۱۹۱۹ بشارت صلح و امنیت را پذیرفتند، و هنگامی که ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرارسید، میوه آن عصیان فزاینده در ناتوانی آنان برای تشخیص آمدن باران پسین آشکار شد. در تاریخی که از وقت پایان در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، خدا جنبش میلرایتی را مو به مو تکرار کرد. میلر نمادی از الیاس بود، و الیاس قاطعانه به آخاب گفته بود که جز به کلام الیاس بارانی نخواهد بود.

ما بررسی خود از نسل سوم ادونتیسیم را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

آن گروهی که از افول روحانی خود اندوهگین نمی‌شوند و بر گناهان دیگران نیز سوگواری نمی‌کنند، بدون مهر خدا رها خواهند ماند. خداوند فرستادگان خود را، آن مردانی را که در دست‌هایشان سلاح‌های گشتار است، مأمور می‌کند: «در پی او در سراسر شهر بروید و بزنید؛ نه چشم‌تان دریغ کند و نه رحم آورید؛ پیر و جوان را به کلی بکشید، هم دوشیزگان و هم کودکان خردسال و زنان را؛ اما به هیچ‌کس که بر او نشانی است نزدیک نشوید؛ و از قدس من آغاز کنید.» آنگاه از مردان کهنسالی که در برابر خانه بودند آغاز کردند.

در اینجا می‌بینیم که کلیسا—حرم خداوند—نخستین جایی بود که ضربه خشم خدا را احساس کرد. مشایخ، همان کسانی که خدا نور فراوان به آنان داده بود و نگرهانی منافع روحانی قوم را بر عهده داشتند، به امانت خود خیانت کرده بودند. آنان چنین موضعی گرفته بودند که دیگر لازم نیست همچون ایام گذشته در پی معجزات و ظهور برجسته قدرت خدا باشیم. زمانه عوض شده است. این سخنان بی‌ایمانی‌شان را تقویت می‌کند و می‌گویند: خداوند نه نیکی خواهد کرد و نه بدی. او آن قدر رحیم است که قوم خود را داوری نخواهد کرد. از این رو «سلامتی و امنیت» فریاد مردمانی است که دیگر هرگز آواز خود را چون شیپور بر نمی‌افرانند تا به قوم خدا تخطی‌هایشان و به خاندان یعقوب گناهانشان را نشان دهند. این سگ‌های گنگ که پارس نمی‌کنند همان‌هایی‌اند که انتقام عادلانه خدای آزاده را می‌چشند. مردان، دوشیزگان و کودکان خردسال، همگی با هم هلاک می‌شوند.

قباحت‌هایی که اهل ایمان برایشان آه می‌کشیدند و می‌گریستند، تنها همان چیزهایی بودند که چشم‌های محدود انسان می‌توانست ببیند؛ اما بدترین گناهان، آن‌هایی که غیرت خدای پاک و قدوس را برمی‌انگیختند، بر ملا نشده بودند. جستجوگر بزرگ دل‌ها هر گناهی را که بدکاران در خفا مرتکب می‌شوند، می‌داند. این اشخاص در فریب‌های خود احساس امنیت می‌کنند و به سبب بردباری او می‌گویند که خداوند نمی‌بیند، و سپس چنان رفتار می‌کنند که گویی او زمین را ترک گفته است. اما او ریاکاری‌شان را آشکار خواهد کرد و آن گناهانی را که با دقت بسیار می‌کوشیدند پنهان سازند، در برابر دیگران بر ملا خواهد ساخت.

هیچ برتری رتبه و شأن یا حکمت دنیوی، و هیچ جایگاهی در منصب مقدس، آدمیان را از قربانی کردن اصول بازنمی‌دارد، آنگاه که به دل‌های فریبکار خود واگذار شوند. کسانی که شایسته و صالح دانسته شده‌اند، معلوم می‌شود که سردستگان ارتداد و الگوهای بی‌اعتنایی و سوءاستفاده از رحمت‌های خدا هستند. مشی شریrane آنان را دیگر بر نخواهد تافت، و در خشم خود بی‌رحمت با آنان رفتار خواهد کرد.

خداوند با اکراه حضور خود را از کسانی که از نور عظیم بهره‌مند شده‌اند و در خدمت به دیگران قدرت کلام را احساس کرده‌اند، برمی‌گیرد. آنان زمانی بندگان وفادار او بودند و از حضور و هدایت او برخوردار بودند؛ اما از او روی گرداندند و دیگران را به گمراهی کشاندند، و از این رو زیر ناخشودی الهی قرار می‌گیرند. شهادتات، جلد ۵، صفحات ۲۱۱ و ۲۱۲.